



احمد فتحی  
وکیل دادگستری

# زاویه دید در دفاع

مثبت - ترجیح مصالح موکل بر هر امر محتمل دیگر - وکیل را در موقعیت والای مدیریت و درمان معضله حقوقی موکل قرار می دهد. حال آن که پذیرش وکالت با زاویه دید منفی - ترجیح منافع وکیل بر هر امر محتمل دیگر - وکیل را در موقعیت مادون تبعیت و از پذیرش از موکل، دادگاه و حتی طرف دعوی قرار می دهد و تفاوت این دو دیدگاه بسیار است. اما در این مقاله سعی می شود تا مراداب، از آزادگی است تا بردگی، هر چند که به عنوان یک قضاوتی، دادرسی یکسان باشد.

آفرینش دفاع و طراحی آن، در هر یک از دو صورت بالا، تفاوت عمیق ماهوی با صورت دیگر دارد.

انتخاب زاویه دید مثبت، دارای اثر مستقیم بر شخصیت، رفتار و مناسبات وکیل با دیگران از جمله موکل، قاضی و طرف دعوی است. در چنین موضعی، موکل طلبکار غرغرو و اخموی وکیل و تعیین کننده مستقیم یا غیر مستقیم تکلیف و سیاست کاری او نیست، بلکه تابع وی است. زیرا مدیریت معضل حقوقی خود را به وی تفویض کرده است و چشم به درمان وکیل خود دوخته است. از این منظر، وظیفه وکیل دفاع از حقوق موکل از موضع واقعی و قانونی اوست. مانند دفاع از موضع واقعی و قانونی بزه دیده، بزهکار و یا مدیون و طلبکار. با این دیدگاه، آیا وکیل حق دارد اتهام موکل بزهکار خود را متوجه بی گناه کند یا این که وی مکلف است از حقوق قانونی موکل متهم خود دفاع و موجبات کاهش مجازات او را فراهم نماید؟

حال باید دید در این دفاع با نگاه درونی انجام می گیرد و با بانک بیرونی وکیل زاویه قهرمان است یا زاویه مظلوم؟ شخصیت اصلی دفاع وکیل است یا موکل؟

در قالب این تفاهت قرار نماند، می توان دید درونی با واژه منافع وکیل یا منفعت طلبی و از دید بیرونی با واژه مصالح موکل یا منافع او تفاوت گریزی ندارد.

پس در وقت آنست که کسی از اصطلاح های ادبیات داستانی استفاده کند و با بهره گیری هنر نمایش در صورتی که زاویه دید او در مورد منافع انتخاب بین موکل و موکل خود در صورتی که زاویه دید او مناسب باشد. چرا که وجوه تشابه حرفه وکالت با بازیگری، بیش از نویسندگی است.

البته پذیرش یا عدم پذیرش نقش، محصول زاویه دید است. به عبارت دیگر این انتخاب نوع زاویه دید است که به وکیل فرمان می دهد بر اساس مصالح موکل یا منافع خود، مبادرت به ایفای نقش یعنی همان قبول و اجرای وکالت بنماید.

انتخاب نقش با توجه به زاویه دید مبتنی بر منافع وکیل یا مصالح موکل و یا به عبارت دیگر حق درمان و نفس درمان و یا به تعبیر دیگر، زاویه دید منفی یا مثبت نقطه آغاز دو ضلع زاویه ای است که هر کدام جهتی به شدت مغایر با دیگری طی می کند. بهره جویی از مفاهیم ادبیات داستانی و نمایش در جهت تبیین ظریف این موضوع است که پذیرش وکالت با زاویه دید

زاویه دید در ادبیات داستانی، نمایش نموده شیوه ای است که نویسنده به کمک آن مصالح مواد داستانی خود را به خواننده ارائه می کند و در واقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می دهد.

هر داستانی باید گوینده ای داشته باشد که موضوعی را نقل می کند، این نقل موضوع مسکن است به شیوه اول شخص یا بر م شخص سوم شخص صورت بگیرد. زاویه دید در زاویه دید درونی و زاویه دید بیرونی تقسیم کرد. در زاویه دید درونی، گوینده داستان یکی از شخصیت های داستان، شخصیت اصلی یا شخصیت فرعی است و داستان از زاویه دید اول شخص نقل می شود. وقتی راوی، شخصیت اصلی باشد. زاویه دید درونی نامیده می شود و وقتی شخصیت فرعی باشد، به آن زاویه ناظر گفته می شود...

آن چه که گفته شد، بخشی از تعریف زاویه دید در ادبیات داستانی است. اما نکته مورد نظر اینجانب نه کاملاً مفهوم داستانی، بلکه کاربرد زاویه دید در مفهوم مورد نظر و اثرات نوع انتخاب آن در فن دفاع است.

بهره جویی از برخی تکنیک های ادبیات داستانی و نمایش از قبیل زاویه دید، جریان سیال ذهن و انتخاب نقش به عنوان قالب بیان و در جهت تبیین بهتر منظور صورت می گیرد. با تکیه بر چنین دیدگاهی و در جهت انطباق برخی از تعاریف داستانی زاویه دید بر دفاع، وکیل همان نویسنده است که با انتخاب زاویه دید مناسب، مواد داستانی خود را به خواننده ارائه می کند. در شکل بیان مورد نظر، خواننده همان قاضی و داستان مفروض دفاع است.

نمونه زیر، تلاش ناموفق یک وکیل مدافع در جهت خارج کردن موکل بزحاکار خود از موضع واقعی اتهام و انتساب بزه به بی گناه است:

(لایحه مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۴ آقای احمد فتحی در هفت صفحه قرائت شد. ایشان برای اینکه این صحنه سازی و توطئه و همدستی بین شاکی و شهود کذب را که در جهت اخذ گواهی کذب به کار گرفته شده و بدون هیچ دلیل و جهت موکل را در این پرونده متهم نموده اند که در حقیقت واقع هیچ گناهی ندارد و حسب محتویات پرونده و دلایل اقامه شده در فوق، افشین متهم اصلی پرونده است و از این که وکیل محترم شاکی بدون این که وجدان خود را حکم قرار دهد و در قضیه از روی علم و ایمان دفاع نماید با طرح و اقامه یک سلسله مطالب واهی بدون دلیل و جهت قانونی موکل را متهم این پرونده اعلام نموده است که به کیفر خواست معترض بوده و اتهام موکل از روی تباری و صحنه سازی به موکل نسبت داده شده است...)

- بخشی از لایحه دفاعی وکیل متهم، در سال ۱۳۷۰، فن دفاع، جلد دوم، پرونده دوم. آن چه ملاحظه شد، بخشی از لایحه وکیل مدافع متهم، در پاسخ به لایحه دفاعی وکیل مدافع شاکی است. لایحه ای که بر مبنای کیفر خواست و محتویات پرونده تنظیم شده بود، نه تمایل وکیل شاکی در جهت ایراد و جعل اتهام به متهم، به مصداق: از کوزه همان برون تراود که در اوست برون و درون کوزه، یکی است. وی به جای استدلال منطقی در جهت رد کیفرخواست، مبادرت به روانشناسی وکیل شاکی و تجسس در احوال او نموده است و از علم و ایمان و وجدان حرف می زند. آن هم چه حرف زدنی؟!

تأکید بر انتخاب نقش و توجه به زاویه دید از این روست، زیرا: انتخاب زاویه مناسب دید به تنظیم صحیح مناسبات وکیل و موکل کمک می کند. در این صورت وکیل نه تنها مجبور نیست اتهام بزه کار را متوجه بی گناه نماید، بلکه اقتدار لازم را برای اعمال نفوذ روی موکل در مواردی که حق ندارد و یا حق دارد و چشم انداز صلح و سازش موجود است و نیز در مواردی که موکل به موفقیتی ناعادلانه دست یافته است و دعوت او به تعدیل پیروزی اش لازم است، به دست می آورد، مانند دو نمونه زیر:

۱. (نتایج این پرونده، می توانست همواره برای موکل، آب باریکه قابل توجهی باشد. اما من یک کاسه آب تمیز از سرچشمه برای او برداشتم و جریان آب باریکه را قطع کردم. چرا؟ زیرا می دانستم از سرچشمه که بگذریم، آب آلوده می شود. من مایل نبودم موکل آب آلوده بیاشامد. او همان ابتدا، هنگام طرح مشکل خود، حقیقتی را به من گفت که دلیل درستکاری اش بود. جایزه راست گویی او تلاش دو چندان برای دست یافتن به حق اش بود، نه بیشتر. یک شعر عامیانه که من گاه به گاه به طنز و خنده آن را برای موکلین

پیروزمندم، می خوانم و آنان را به پرهیز از شدت عمل نسبت به حریف زمین خورده، دعوت می کنم، می گوید:

تیغ بران گر به دست داد، روزی روزگار هرچه می خواهی ببر اما مبر نان کسی

(... درست است که آن آقایان، به خصوص آن بزرگه که خشن و تند و تیز بود. نان شریک خود را بریده و او را از مغازه مشترک، بیرون کرده بودند. درست است که آن آقایان- به خصوص آن بزرگه که داد و هوار راه انداخته بود و تهدید می کرد. تا آخرین لحظه مقاومت کردند و حقوق موکل را ندادند، تا به زور از آن ها گرفتیم و نیز درست است که آن آقایان، به خصوص آن بزرگه که من را از نوشیدن آب، در مغازه اش بازداشت. تا آخرین لحظه، تن به هیچ گونه گفتگوی اصلاحی ندادند و آن گاه که دیگر کار از کار گذشت، آن کوچک که آرام و ملایم بود. آماده گفتگو گشت. اما همه این ها دلیل نمی شد که ما حق گرفته شده را همیشه کنیم. چرا که موکل همان ابتدا حقیقتی را به من گفت. آن حقیقت، فقط یک کاسه آب زلال نصیب او می کرد. نوش جان، همین یک کاسه بس است. نقش سازنده وکیل، همین است.) فن دفاع، جلد اول، بخشی از گزارش پرونده دوم.

۲. (عصر شنبه همان لحظات اولیه شروع کار دفتر، آقای منصور نزد من آمد. آرام، اما افسرده و متأثر بود. اظهار داشت، حداقل ۲۰ دقیقه وقت شما را می گیرم. کنار میز من یک صندلی چرخ دار بود. آهسته در آن فرو رفت و مانند یک Gentleman آرام و مؤدب، شروع به حرف زدن کرد. گاه گاه چهره اش نمناک می شد. با آرامش به سخنان او گوش دادم و بسیار متأثر شدم. سرانجام گفت: آقای فتحی، من به حکم اعتراض نمی کنم. مشکل من را حل کنید. حقوق موکل و حق الوکاله شما را می پردازم. به او گفتم: حقوق موکل آری، اما حق الوکاله من بر عهده شما نیست... دو سه روز بعد، جمع ما: آقای حشمت، آقای منصور و همسرش،

آقای موسی و من به دادگاه رفتیم. قنادی نانک نزدیک دفتر من بود، یک جعبه شیرینی خریدیم. جناب آقای گوهری، قاضی شریف و بی طرف دادگاه، در جمع کارکنان دفتر خود، روی یک صندلی فلزی نشسته بود. در چشمانش محبت موج می زد. به سمت ایشان رفتم، دستشان را فشردم و گفتم: این است نتیجه تصمیم بی طرفانه و شجاعانه قضایی. درود بر شما آقای منصور حقوق موکل را طی چک بانکی به همراه داشت. همان جا به او تسلیم کرد.)

با نگاهی دیگر به مفهوم انتخاب نقش، در می یابیم که مدافع پیروزمند، وکیلی است که در نقش واقعی خود ظاهر می شود یا به عبارت دیگر هماهنگی کامل شخصیتی با نقش خود دارد. برخلاف بازیگر که به تبع شخصیت نمایش ایفای نقش می کند، هرگاه نقش وکیل در دادگاه منطبق بر شخصیت وی و عوالم حقیقی ذهنی او نباشد، بازی نه خنده دار بلکه مبتذل می شود. از این روست که وکیل مدافع علاوه بر امکان اثرگذاری و قدرت انتقال حس و فکر خود به دادگاه، هیأت منصفه، تماشاچیان، جامعه و حتی طرف دعوی، لازم است که از فن بلاغت یا آرایش کلام، برخوردار باشد. فن بلاغت مبتنی بر دانش و منطق و استدلال.

زیبایی نگارش و بیان، توانالیه صدا tonality استفاده به موقع از حرکت دست و چهره و انتقال حس صمیمیت در دفاع، از وجوه تشابه وکالت و بازیگری است.

انتخاب نقش، اما همه کار نیست. نیاز به پیش زمینه و مقدمات دارد، شنیدن به مفهوم توجه همه جانبه و عمیق به گفته های طرف، از خصلت های بارز و ممتاز انسانی است.

جمع همه شرایط زمانی، مکانی، انگیزشی، ذهنی و عینی برای مراجعه موکل به وکیل به خصوص در کلان شهرهای پر تراکم، کاری آسان نیست. بهترین پاسخ وکیل به مراجعه موکل شنیدن

## تصور می کنم انتخاب نقش یعنی همان کاری که

## بازیگران تاتر و سینما انجام می دهند، واژه

## ای مناسب باشد. چرا که وجوه تشابه حرفه وکالت

## با بازیگری، بیش از نویسندگی است

## انتخاب زاویه مناسب دید به تنظیم صحیح مناسبات و کیل و موکل کمک

می‌کند. در این صورت وکیل نه تنها مجبور نیست اتهام پزه کار را متوجه

بی‌گناه نماید، بلکه اقتدار لازم را برای اعمال نفوذ روی موکل در مواردی که حق

ندارد و یا حق دارد و چشم انداز صلح و سازی موجود است و نیز در مواردی که

موکل به موفقیتی نا عادلانه دست یافته است و دعوت او به تعدیل پیروزی اش

لازم است، به دست می‌آورد.

باینترین سطح یعنی سطح پیش تکلمی آغاز می‌شود و به بالاترین سطح که سطح کاملاً مجزای تفکر منطقی است، می‌انجامد. فرض بر این است که در ذهن فرد، در لحظه ای معین، آمیخته ای از تمام سطح های آگاهی، سیر بی پایان احساسات، افکار، خاطره ها، تداعی معانی و انعکاس به وجود آید، تا آن چه را جریان سیال ذهن می نامند، پدید آورد. نمونه ای از تجربه جریان سیال ذهن را در زیر می خوانید:

(اما در این پرونده نه هم چون دن کیشوت که به جنگ آسیاب های بادی می رفت، بلکه مانند شوالیه ها عمل می کردیم. هر جلسه دادگاه عرصه نبردی واقعی بود. همان طور که شوالیه سلاح خود را صیقل داده و آماده می کند، همان گونه که زره. اگر زره داشته باشد. و تن پوش فلزی خود و ارسی می کند، به همان سیاق که شب به آرامی می خوابد البته ما بعضی از آن شب ها نمی خوابیدیم. تا صبح آماده نبرد باشد، ما نیز با جان مایه عشقی که از پیروزی حقیقت به دست می آوریم، وارد دادگاه می شدیم. با لباس تمیز و اتوکشیده، کیف و کفش واکس زده، گونه های اصلاح شده، چهره خندان و منطبق قوی. همه اینها از ملزومات وکالت است.

و نیز آراستگی، شیک پوشی، تمیز و اتوکشیده بودن، راست راست راه رفتن، راست قامت بودن و باوقار و آرامش و تبسم در چشم قاضی و رقیب و حریف نگرستن و در همین حد از اهمیت، مجهز بودن به دانش و منطق قوی و شیوه والای شفاهی و کتبی بیان دانش و منطق. سخن وری، بلاغت، نگارش زیبا و ادیبانه حقوقی. اینهاست شیوه پیروزمند دفاع، حتی اگر در پرونده ای برنده قضایی نشوی، برنده اخلاقی تو هستی. تویی که یکنواخت و یک ریز حرف نمی زنی، تویی که از زیر و بم صدا و حرکات به موقع دست و چهره استفاده می کنی، تویی که به موقع سخن می گویی و به هنگام، سکوت می کنی. زیبایی شکل و مضمون، پیوند متناسب صورت و محتوی، دریافت ظرایف و دقایق امر، احترام عمیق و واقعی به قاضی و طرف پرونده و وکیل او، ابتدایی ترین تمرین هر کارآموز وکالت است...).

نقش است. او بیشتر از موکل، ظرافت و صلابت دفاع وکیل را در می یابد. چرا که اثرات مستقیم دفاع، متوجه منافع اوست. او سعی می کند در دل دوست به هر حيله رهی پیدا کند و چون نمی تواند، در نهایت بر احترامش نسبت به وکیل افزوده می شود و چه بسا که خود او بعدها در موارد دیگر تبدیل به موکل شود یا معرف موکلین جدیدی به وکیل باشد، نمونه زیر مبین اعمال اقتدار وکیل روی موکل است:

(شاکي این پرونده، به گونه ای با من سنخیت حرفه ای داشت. به نحوی که به عنوان وکیل دادگستری، طرف رجوع ایشان بودم. برخورد محافظه کارانه، حکم به عدم قبول این وکالت می کرد. اما من وکالت را پذیرفتم و آقای احمدی، بازپرس مقتدر و برجسته دادسرای عمومی تهران، با بی طرفی کامل و دقت بالای قضایی، قرار منع پیگرد منتهم را صادر نمود. اما با توجه به خانوادگی بودن اختلاف، بدون این که شاکي بخواهد و بداند، از موکل خود امتیازی مهم برای او گرفتم. هنگامی که شاکي بالحن گلایه آمیز به من تلفن کرد، او را به دفتر دعوت کردم و صلح نامه عادی سهم موکل، نسبت به بخشی از ارثیه را به ایشان دادم). فن دفاع، جلد دوم، گزارش پرونده سوم.

مناسبات وکیل و کارمندان دادگاه نیز متأثر از همین الگوی رفتاری است. رفتار وکیل ممکن است در آنان ایجاد سمیاتی و یا مخالفت کند. در هر حال پس از ختم غائله، آنها نیز علاقه مند به وکیل می شوند.

حاج آقا رشیدی کارمند دفتر دادگاه، هم او که جریان پرونده را از نزدیک زیر نظر داشت گاه گاه به طنز، مشت گره کرده و با ته لهجه گیلانی شعار می داد: رادفر، رادفر، تولدت مبارک. فن دفاع، جلد اول، پرونده اول.

پس از انتخابات نقش، نوبت به طرح دفاع می رسد. طراحی دفاع، نیازمند تفکر و تخیل نسبت به جوانب امر است. ممکن است پرونده ای روزها و شب ها موجب دل مشغولی وکیل شود. در طراحی دفاع، یکی دیگر از تکنیک های ادبیات داستانی جلب نظر می کند. جریان سیال ذهن:

(... جریان سیال ذهن، به کل حوزه آگاهی و واکنش عاطفی. روانی فرد گفته می شود که از

اظهارات اوست. ایجاد فضای مناسب و اطمینان بخش و ایجاد حس که بتواند با دریافت آن، آسوده و آرام حرف بزند و دریابد که وکیل حرف های او را می گیرد و می فهمد. بخشی از معضل روحی او، با همین شنیدن التیام می یابد. نقش وکیل، نه تشدید تنش بلکه کاهش تشنج است.

با اجرای دقیق این مرحله، ممکن است معضل موکل با مشاوره حل شود. اگر نشد و امر به پذیرش وکالت انجامید، انجام این کارها ضروری است:

۱. مطالعه پرونده و مستندات آن
۲. بررسی قوانین حاکم بر موضوع
۳. مطالعه منابع حقوقی مرتبط با مورد
۴. انطباق موضوع با قوانین حاکم بر آن و یافتن نقاط توافق و تعارض امر با مقررات
۵. پیدا کردن کلید ورود به دفاع

حقیقت مانندی یکی دیگر از مفاهیمی است که از ادبیات داستانی وام می گیرم، اما با استنباط ویژه و مغایر با تعریف داستانی. حقیقت مانندی در دفاع، یعنی این که: وکیل از آن چه دفاع می کند، که آن را حقیقت می پندارد. منظور این است که آیا ممکن است پس از طی مراحل بالا و اعمال دقت در انتخاب موکل، وکیل فریب خورده باشد؟ این احتمال وجود دارد. بنابراین می توان گفت که وکیل از آنچه دفاع می کند، که آن را حقیقت می پندارد. کشف محتمل ترین حقیقت، نتیجه برخورد دو دفاع و از وظایف قاضی است. یکی دیگر از اثرات انتخاب زاویه مناسب دید، ایجاد موقعیت برابر حقوق بین قاضی و وکیل است. نوع دفاع وکیل با حفظ احترامات حرفه ای او ملازمه دارد. وکیل ملزم به ارائه امتیاز در برخورد با قاضی و خضوع و خشوع بی مورد در برابر او نیست. ایستاده و سر بلند دفاع می کند و دست او در اعتراض به تصمیمات مخالف قانون بازتر است.

در این گونه دفاع، مناسبات وکیل و همکار وکالتی او نیز توأم با احترام متقابل و نزاکت است. طرفین سعی در تخدیش موقعیت، شخصیت و دفاع یکدیگر نمی کنند. احترام هر دو نزد قاضی و نزد یکدیگر و نیز نزد موکلین پابرجا و آرامش و وقار بر رفتار و کلا حاکم است. حفظ فاصله منطقی با طرف دعوی و جذب احترام او، از نتایج دیگر انتخاب

سالی سخت و جان کاه بود زیرا مورد اجاره تخلیه شده و این در حالی بود که یک روزه کوچک پیدا کرده بودیم. ما می بایست، آرام آرام آن روزه کم سو را تبدیل به آبشار نور می کردیم. مادر پی احیای حق بودیم و با پرونده در آمیخته و یکی شده بودیم. مسأله آقای رادفر، مسأله مهم تر ما شده بود. چه روزها که ساعت های متمادی به آن فکر کردیم و چه شب ها که چشم بر هم نگذاشتیم. وقتی که چالش سخت و رنج آور حقوقی ما، شادی استرداد حق آقای رادفر را در پی داشت، آسوده گشتیم و عهد بستیم که دیگر، هیچ گاه تا این حد خود را غرق در هیچ پرونده ای نکنیم. متعهد به استیفای حقوق موکل باشیم، در جهت احیای آن صمیمانه بکوشیم، خوش گفتار، نیک پندار و درست کردار باشیم، اما تا این حد به آن آمیخته نشویم. زیرا این گونه عمل کردن، سلامت جسمی و روانی وکیل را در معرض مخاطره شدید قرار می دهد. این را از آن روی گفتیم، که وکلای جوان و کارآموزان وکالت، آویزه گوش خویش کنند. بخشی از گزارش فن دفاع، جلد اول، پرونده اول.

پس از آن که جریان سیال ذهن کامل شد، دو عامل اساسی رویاروی ما قرار دارد. عامل اول ساختار شکلی دفاع و عامل دوم مضمون دفاع است. عناصر تشکیل دهنده ساختار دفاع به این شرح است:

۱. زبان نوشتاری

۲. زبان گفتاری یا به عبارت بهتر نثر گفتاری

در زبان، اعم از نوشتاری و گفتاری، انتخاب واژه گان از اهمیت بالایی برخوردار است. نوع واژگان دفاع لازم است که آراسته و موقر، رسمی و صریح باشد. اما در جهت ایجاد آنتریک و کشش، وکیل می تواند به تناسب موضوع و موضع، جو عمومی دادگاه و روحیه خاص قاضی، در متن یک دفاع فاخر، گاه گاه به صورت کوتاه و یا با استفاده از جملات معترضه از زبان محاوره، عامیانه، شعرگونه یا تمثیلی، که عصاره فرهنگ مردم است، بهره ببرد و یا این که حتی در مواردی به بذله گویی بپردازد. به شرط آن که کاربرد تکنیک های بالا مؤثر و در جهت بلاغت و رسایی هر چه بیشتر منظور باشد. به عبارت دیگر الفت با ادبیات پارسی و اشراف بر دستور زبان فارسی و آشنایی با مباحث منطقی به تدارک دفاع نوشتاری و گفتاری قوی مؤثر می کند. اما حتی در دفاع شفاهی، لازم است که کلام وکیل مبتنی بر نثر گفتاری باشد.

شروع از مؤثرترین نقطه، ضرب آهنگ کلام، تند و کند و به موقع بیان، گفتار به موقع و سکوت به هنگام در متنی از شجاعت و وقار و آرامش و رفتار متعادل. گفتار خوش همراه با آراستگی پوشش و تمیز بودن، بخش عمده تشکیل دهنده ساختار دفاع است.

و اما درباره مضمون دفاع:

جامع و مانع بودن ویژگی عمده مضمون دفاع است. عناصری از قبیل واقعه نگاری، تشریح،

تحلیل و مباحثه در پیشرفت دفاع مؤثر است. واقعه نگاری و تشریح باید مبتنی بر تبیین وقایع پرونده و روشنی بخشیدن به ابهامات باشد. ذکر مستندات قانونی و انطباق آن با وقایع پرونده و تشریح موضع واقعی و عمل موکل و طرف در قالب تحلیل و بحث:

(شناخت موقعیت موکل و طراحی حرکت برای انطباق آینده او، بر مبنای وضعیت موجود واقعی اش. زیرا که موکل ممکن است؛ ذی حق باشد یا بدون حق. از کسی طلبکار باشد یا به کسی مدیون. تحت ستم باشد و یا آن که خود ستمگر. با این گونه گونی موقعیت موکل، تکلیف وکیل چیست؟ خوشبختانه قوانین ایران، دست وکیل را در انتخاب موکل، باز گذاشته است. او باید به گلچین مراجعان خود بپردازد.

یک نکته افزودنی است و آن این که تکلیف بزهکاران کوچک و بزرگ، خلاف کاران، بدهکاران و یا بدقولان که البته همه در یک ردیف نیستند، چیست، آیا آن ها نباید از حق دفاعی علمی برخوردار باشند؟

باید، اما به شرط انطباق دفاع با وضعیت دفاع با وضعیت واقعی شان. وکیل حق ندارد بزهکار حرفه ای را تبرئه و بی گناه را متهم کند و یا این که اتهام آن بزهکار را متوجه بی گناه نماید او باید از حقوق قانونی بزهکار، حمایت نماید. موارد غیرقانونی اعمال شده علیه او را کشف و فاش کند. موجبات تخفیف مجازات او را با توجه به گذشته، اکنون و موقعیت اجتماعی اش فراهم نماید. چنین دفاعی اصولی و هماهنگ با وجدان است. فن دفاع، جلد اول، بخشی از گزارش پرونده دوم.

نکته آخر از نتایج انتخاب زاویه دید مثبت، اتخاذ تصمیمات سترگ از جانب وکیل است. این گونه

## با نگاهی دیگر به مفهوم

## نقش در می یابیم که مدافع

## پیروزمند، وکیلی است که

## در نقش واقعی خود ظاهر

## می شود یا به عبارت دیگر

## هماهنگی کامل

## شخصیتی با نقش خود

## دارد. برخلاف بازیگر که

## به تبع شخصیت نمایش

## ایفای نقش می کند

تصمیم گیری ها منوط به اقتدار معنوی وکیل نسبت به موکل است. در مسیر دفاع، مواقعی پیش می آید که وکیل ناچار از قبول خطر است: لازمه دفاع پیروزمند، بررسی همه جانبه، پیش بینی امور حتمی و محتمل، تدبیر و آمادگی و اتخاذ تاکتیک های متناسب با موضوع پرونده است. اما لحظاتی فرا می رسد که دفاع موفق از یک پرونده قضایی، مستلزم پذیرش خطر بالا یا به گفته دیگر قبول ریسک از ناحیه است. یک وکیل با سابقه دادگستری، می گوید: (۱)؛ مرز بین وکالت و کلاهبرداری، از مو باریک تر است. حساسیت اجتماعی نسبت به این حرفه، بسیار بالاست. برخی به طنز یا به جد می گویند: وکیل دارای سه دشمن است: دشمن اول موکل، دشمن دوم طرف موکل و دشمن سوم قاضی. اما پذیرش خطر در این پرونده چه بود؟

(همان گونه که می بینید خواسته، تخلیه یک باب ویلاست ... من در جلسه دادرسی با اظهار ناموجه نفی مالکیت موکلین و ادعای مالکیت خواننده و نیز ارائه یک تکه کاغذ مبنی بر هزینه مبلغ ۴۷۵۰۰۰/۰۰۰ ریال از طرف خواننده، در ویلا مواجه شدم. آن تکه کاغذ به خودی خود، فاقد هر گونه ارزش قضایی بود. به علاوه خواننده مجوزی برای اعمال هزینه در ویلا نداشت. اما ورود به این مباحث و نیز موارد دیگر، دادرسی را طولانی تر می نمود. به ویژه که به اجرای قانون دادگاه های عام نزدیک می شدیم و این می توانست علت ثانوی طولانی شدن بیش از حد پرونده باشد.

قاضی محترم دادگاه، آقای درویشی که اینک وکیل دادگستری هستند، در چارچوب صدور گزارش اصلاحی، نظر من را نسبت به قبول یا رد مبلغ ادعایی بالا پرسیدند. بلافاصله اعلام موافقت کردم، بدون اینکه در این موضوع حادث، بین من و موکل هماهنگی قبلی وجود داشته باشد. این موضع گیری، خلاف انتظار خواننده وکیل محترم وی بود. اما خواننده کاملاً خلع سلاح شده بود. هرگونه مقاومتی، دلیل افزون طلبی بیش از حد تلقی می شد. گزارش اصلاحی تنظیم شد، بلافاصله از دادگاه به دفتر آمدم و با موکل ... خود ... تماس تلفنی برقرار کردم. به وی گفتم ترتیب واریز مبلغ مورد توافق را به صندوق دادگستری بدهد، وقتی که علت را پرسید به او توضیح دادم که این مبلغ کمتر از اجاره یک سال آن ویلاست، آن را ظرف یک هفته می خواهی یا چهار سال؟ بگذار بگیرد و برود. استدلال قانع کننده بود. لازم است از موکل خویش به خاطر اعتماد و همکاری او قدردانی کنم. قبول ریسک از ناحیه وکیل، نیازمند همکاری موکل است. بخشی از گزارش پرونده چهاردهم، جلد اول فن دفاع.

همه آن چه گفته شد، در جهت ارائه الگوی سالم دفاع بود. آن گونه دفاعی که متضمن سلامت روانی و جسمی وکیل و تأمین کننده مصالح واقعی موکل است.

(۱) جهانگیر مستوفی